سرمقاله

حسین امیری
(سردبیر)

# هنر مطالبه‌گری بودجه برای فارس

دور دوم سفرهای استانی ریاست‌جمهور با نگاه ویژه به استان فارس در مهرماه انجام خواهد شد. از جمله اقدامات زاینده‌الوصف استاندار فارس جناب دکتر ایمانیه که در دوره‌های گذشته کمتر شاهد آن بودیم، حضور میدانی در موضوع مهم بودجه‌گیری تمام‌عیار برای پروژه‌های نیمه‌تمام استانی است. در کمتر دوره‌ای شاهد بودیم شخص استاندار فارس مسیر شیراز- تهران را به دالان مطالبات پروژه‌های عمرانی تبدیل کند.

حضور دکتر ایمانیه در تهران و با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان امر در حوزه برنامه و بودجه می‌تواند نقطه شروعی باشد برای آنچه تحول در فارس بنامیم. هرچند در دور اول سفرهای استانی رئیس‌جمهور به فارس پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام بسیاری مورد هدف و واکاوی قرار گرفت و بودجه‌های مؤثری برای خاتمه آنها در نظر گرفته شد، اما درتمامی این موضوعات اول به یک کمیته پیگیری مؤثر و دوم به حضور تمام‌عیار نمایندگان استان از حوزه‌های انتخابیه مختلف نیاز بود. کما اینکه باید فرمانداران هر شهرستان و نیز مدیران کل استانی به‌صورت مؤثر مطالبات فارس را جدی‌تر پیگیر می‌نمودند. با توجه به اینکه طول مدت خدمتی مدیران کل و نیز فرمانداران چندان طولانی نیست تا در این فرصت امور مؤثری به سرانجام برسند، اما مطالبه‌گری آنان می‌تواند در استمرار حرکت ایجادشده تأثیرگذار باشد.

ناگفته نماند ظرفیت‌های مهم و بزرگی در استان فارس وجود دارد تا به عنوان راهگشا بتوان بر امور معطل‌مانده غلبه نمود؛ از جمله هماهنگی و تعامل با نماینده ولی‌فقیه در فارس و امام‌جمعه شیراز و نیز نمایندگان فارس در مجلس خبرگان رهبری که می‌توانند در این خصوص راه را برای پیوستن مسیر سخت بودجه‌گیری هموار نمایند. اینک فارس با بن‌بست اعتبارات پرشماری از پروژه‌های نیمه‌تمام عمرانی روبه‌روست که البته هدیه کلنگ‌زنی‌های غیرتخصصی و بدون برآورد اعتبارات لازم در دوره‌های گذشته است؛ این پروژه‌های زمین‌گیر که اگر در زمانه خود آغاز و خاتمه می‌یافت، اولاً مشمول تورم ریالی نمی‌شد و دوماً تأثیر خاص خود را بهتر می‌گذاشت. مثلاً مترو با ایجاد و توسعه خطوط راه‌آهن که نقش مؤثری در ترافیک شهری و جاده‌ای و نیز به‌عنوان خط ترانزیت کالا و خدمات به‌عنوان یک ابزار ارزآور و درآمدزا موردتوجه قرار گیرد. توسعه راه‌های فارس چه در بعد راه‌آهن یا خطوط هوایی و نیز بزرگراه و آزادراه به‌عنوان اصلی‌ترین زیرساخت گردشگری موردتوجه است. فارس با راه می‌تواند به دریا متصل شود و صادرات خود را به‌صورت مستقل به انجام برساند.

هرچند استاندار فارس جناب دکتر ایمانیه بر این اعتقاد است که فارس هم به اعتبارات ملی خود دست پیدا کند و هم از محل درآمدهای ارزی و ریالی خود به‌صورت مستقل بهره‌مند شود و این درآمدها که حاصل تلاش صنعتگران و جمیع تولیدکنندگان استانی است، در فارس و به صورت مستقیم هزینه شود.

طرح ابتکاری دکتر ایمانیه برای خاتمه دادن به کمبود یا نبود اعتبارات در بخش راه با فروش یا استیجار به شرط تملیک اراضی حاشیه راه و راه‌آهن یا درآمدهای ناشی از فروش اموال و املاک مازاد ادارات کل و سازمان‌های دولتی را می‌توان راهبردی برای خاتمه دادن به چانه‌زنی‌های بودجه‌ای دانست.

بدون تعارف باید گفت که فارس در معرض خطر بزرگ خشک‌سالی است و انتقال آب دریا به استان از ضروری‌ترین اقدامات برای مردم و صنایع مستقر در فارس است. هرچند صنایع بزرگ باید از پساب شهری برای ادامه فعالیت خود استفاده کنند، اما تکلیف آب شرب باید یکسره شود و مردم از این بابت در آرامش خیال باشند.

استاندار فارس در مدت تصدی این سمت به‌صورت جد با سرمایه‌گذاران در ارتباط بود و حتی شماره تلفن همراه خود را در اختیار سرمایه‌گذاران و رایطان امر قرار داد تا به‌صورت ۲۴ساعته در صورت بروز مشکل در ادارات و سازمان‌های دولتی مربوطه با او تماس بگیرند و سنگ‌های بزرگ و موانع موجود برداشته شود. دیدار چهره به چهره استاندار فارس با مردم، دانشجویان و جوانان و نیز تولیدکنندگان استانی و بررسی میدانی مشکلات از جمله اقداماتی بوده و است که در رفع مشکلات با اشراف کامل اطلاعاتی مؤثر خواهد بود.

دروافع دکتر ایمانیه بیماری فارس را شناخته و حالا در شرف درمان این بیماری مزمن بودجه‌ای است؛ بیماری که شاید در چهار دهه گذشته روح و جسم مردم استان را اسیر خود نموده است. دور دوم سفرهای استانی رئیس‌جمهور محترم در شرف انجام است و برایر پیش‌بینی‌های انجام‌شده، دکتر رئیسی در مهرماه به فارس خواهند آمد تا نتایج سفر سال گذشته خود را مورد واکاوی قرار دهد.

هرچند این اقدام باید از طریق کمیته‌های پیگیری مصوبات سفر انجام شود، اما دولت انقلابی سیزدهم برای خالی نماندن میدان عمل به‌صورت مستقیم به موضوعات ورود می‌کند و با درنظرگرفتن مسائل در حیطه قانون، اما با تسهیل روند قانونی و برداشتن موانع، انتظار دارد کم‌کاری‌ها جبران شود و مدیران ستادی در هر استان جرئت بیشتری برای انجام کارهای بزرگ به دست آورند.

حالا امیدواریم که پیش از انجام دور دوم سفر رئیس‌جمهور به فارس تمامی نیازها و موانع جذب اعتبارات بررسی شود و با تعامل و همدلی بتوان آنچه در حد و اندازه فارس است را به دست آورد و بیماری مزمن فارس را درمان نموده آن‌شاءالله.

---

گزارش

شیرازنوین بررسی کرد: آیا دست زباله‌گردها از طلای کثیف کوتاه می‌شود؟

# سفره‌هایی که بوی تعفن می‌دهند

## قامت‌های خمیده‌ای که در سطل‌های زباله خمیده‌تر شدند و روزی خود را از پسماندها تأمین می‌کنند

عکاس: محسن رضانژادبردری، شیراز نوین

مریم کشاورز

از پیرمرد و پیرزن گرفته تا جوانان برخی مناطق شهر و حتی معتادان متجاهر همه در یک غم به نام «فقر» با هم شریک‌اند. برخی از این افراد محروم از سپیده‌دم تا شام‌گاه با یک گونی به این طرف و آن طرف می‌روند و هرچه گونی بر شانه‌های‌شان بیشتر سنگینی کند، نشانگر کسب روزی بیشتر است. در کیسه‌ها و سطل‌های زباله اطراف حوزه عمومی فعالیت خود کاوش می‌کنند تا درآمدی کسب کنند و هر فردی نیز محدوده مشخصی دارد و به دیگری اجازه ورود به محدوده اعم‌یدشده خود را نمی‌دهد!

زباله‌گردی در بین جوینده‌گان کار نیز رواج یافته است؛ قسمه تلخی که مثل بیماری واگیردار، هر روز افراد بیکار یا درمانده بیشتری را به خود مشغول می‌کند. لذت کسب درآمد بالاتر این گنج کثیف، حتی کودکان معصوم را نیز به این دامان تلخ کشیده و آنها را از لذت دوران کودکی محروم نموده است. حکایت تلخ‌تر نگذرنده دیگر این است که برخی کانون‌های دریافت طلای کثیف، از زباله‌گردها، در مناطق هدف گردشگری واقع شده است. یکی از کانون‌های جمع‌آوری زباله که مدتی توسط خبرنگار ما رصد شد، مکانی نزدیک به دوآرامگاه شاعران برآوازه جهانی حافظ و سعدی شیرازی است! «م.ن» و همسرش هر روز زباله‌ها را از زباله‌گردها تحویل گرفته و به محل‌های بازیافت پلاستیک و کاغذ ارسال می‌کنند. مردی حدود ۴۰ساله در حالی که در کیسه‌های زباله سرک می‌کشد، خود را علی نظری، کارگر سابق ساختمانی معرفی می‌کند و می‌گوید: الان سه چهار سالی است که به دلیل دیسک کمر از انجام شغل سابق خود دست کشیدم و برای امرار معاش خانواده زباله‌گردی می‌کنم. روزی صدهزار تومان درآمد دارم و مجبورم با مافی نقریباً سه الی چهارمیلیون تومان، زندگی اهل و عیال را مدیریت کنم.

وی افزود: دو مکان خصوصی این مواد بازیافتی را از ما خریداری می‌کنند؛ یکی در خیابان نخلی شیراز و دیگری در میدان گلستان است. هرچند بهای ناچیزی را بابت آورده‌ها به ما می‌پردازند، ولی ما چاره‌ای جز تحویل مواد بازیافتی به آنها نداریم. چه خوب می‌شد اگر برخی مسئولان و اتحادیه‌های کارگری به‌جای شعار دادن، دستگیر کارگران بودند تا در هنگام ناتوانی یا بیکاری فصلی، مجبور نباشند به زباله‌گردی روی آورند و شرمنده خانواده باشند. از فرط بیماری اعتیاد توان گام گذاشتن به جلو را نداشته عبداله حاجی‌زاده که با قدی خمیده گویی مواد بازیافتی را روی زمین می‌کشد، بـا گریه گفت از نداری و بی‌خانمانی در آتش فقر و اعتیاد به مواد افیونی امنی سوختیم. اگر سرپناه و شغل داشته باشم، قول می‌دهم که اعتیاد را ترک کنم و دیگر سراغ این ماده خانمان‌سوز نروم.

پیرمرد ۶۰ساله‌ای که کیسه زباله‌های تفکیک شده را در کنج دیوار گذاشته بود، خود را حسین حسن‌زاده معرفی کرد و گفت: عایدی ما از جمع‌آوری کارتن، پلاستیک آهن و... روزی دویست‌هزار تومان است. قبلاً راننده تراکتور بودم و روی خودروهای سنگین کار می‌کردم. یک روز در حین کار، چادر کامیون روی کمرم افتاد و دیگر قادر به رانندگی نبودم و سرانجامم این شـد. وی مکان خرید زباله‌های به قول خودش دوست‌داشتنی را میدان گلستان و خیابان شهدا معرفی کرد و گفت لطفاً صدایمان را به گوش مسئولان برسانید تا شاید کمی ما را درک کنند. چرا من پیرمرد باید به جای استراحت و طی دوره بازنشستگی، در خیابان‌ها دوندگی کنم؟ چرا برای ما حقوق و مستمری در نظر گرفته نمی‌شود؟ دادخاه ظلرمنش، ۶۶ساله همراه با همسرش با موتورسیکلتی که بارانداز فرمزنگی در پشت آن نصب شده است، چنین می‌گوید: از روستاییان شهرستان جهرم هستیم. اما برای کار به شـیراز آمدیم. شیراز شهر شلوغی است و مواد قابل بازیافت گران‌بهایی دارد. درآمد هـر روز جمع‌آوری بازیافت، معادل درآمد پانزده روز کارگری در شهرهای اطراف محلمان است. او نحوه آشنایی‌اش با فعالیت زباله‌گردی را این‌گونه شرح داد: طرفه چشـمی برای دخترم ایجاد شـده بود و قادر به تأمین هزینه درمان نبودیم. ما کارگران، قشـر بدبختی هستیم. کاش بیمه سلامت و... به ما هم اختصاص می‌یافت تا در درمان بیماری فرزندانمان درنمانیم یا پزشـکان و مراکز درمانی خیریه پیدا می‌شدند که بخشی از هزینه‌های سـنگین درمان خانوارهای فقیر را متقبل می‌شدند تا ما ناگزیر از تأمین هزینه‌ها از درون زباله‌ها نباشـیم. دیگری که از یکی از اغذیه‌فروشی‌های میدان آزادی خارج می‌شـود، با فریاد می‌گوید: به‌خدا من معتاد نیسـتم. به سرافش می‌روم. از چهره و نحوه ادا کردن کلماتش مشـخص است که درسـت می‌گوید. اهل آبادان اسـت. با ۵۶ سـال سن و دلی پر از غصه می‌گوید: مسـئولان شهرمان نه سرپناهی، نه حق و حقوقی برای کارگران در نظر می‌گیرند. به شیراز آمدم تا شاید مهمان‌نوازی‌شان مشمول حال کارگر دیروز و ضایعات‌جمع‌کن امروز شود. معرفه از شما خانم محترم می‌خواهم به مسئولان شـهرتان بگویید که بنده فریدون عربزاده عاجزانه تقاضا دارم، سری به پارک آزادی بزنند و مشاهده کنند چه تعداد از بی‌سرپناهان در این مکان جمع شده‌اند. با روزی صد تا صد و پنجاه هزار تومان، قدرت تأمین امرار معاش خانواده را ندارم چه برسـد به پرداخت اجاره مسـکن. چطور می‌شود اگر برای ما سرپناهی در نظر گرفته شود و از این نابسامانی نجات یابیم؟! فرد دیگری که به نظر می‌رسد وضعی کمی بهتر از سایران دارد، می‌گوید: تحت پوشش بهزیسـتی بودم‌م و اکنون حقوق بازنشـستگی دریافت می‌کنم. وی که مدتی اسـت به گردآوری زباله‌های بازیافتی مشغول شده اسـت، چنین شرح می‌دهد: احد قربانی هسـتم و ۴۸ساله. محدوده فعالیتم جنوبی اغذیه‌فروشی‌هاسـت. روزی سیصد هزار تومان درآمد کسـب می‌کنم تا هم شـکم پنج سـر مالئه خود را سـیر کنم و هم پول رهایی پسـرم از حبس را فراهم کنم. من با هرآنچه که در توان دارم برای پرداخت بدهی‌های پسـرم تلاش می‌کنم، اما نمی‌شود که نمی‌شود. از خیران مشارکت‌کننده در جشن گلریزان عاجزانه خواسـتارم که برای رهایی زندانیان بدهکار پیش‌قدم شوند.

آن یکـی با کیسـه گونی‌های تفکیک شـده مربوط به پسـماندهای قابـل بازیافت از دشوارلی‌های اداره یک زندگی پنج‌نفره و اجاره‌نشینی صحبت می‌کند و در ادامه می‌گوید: اکبر زنگنه هسـتم و ۲۰ساله. در ۱۶ سـپیده‌دم تا سـاعت ۱۶ در نقاط تجمع کارگران روزمزد بدهی‌هایم را تسـویه کنم. من با هرآنچه که در توان دارم برای پرداخت بدهی‌هایم از حبس را فراهم